

# قسمت زمان

مانند گذشته در هر شماره «آینده» چند صفحه اختصاص به بانوان خواهد داشت. ما اولین مقاله را از هم قلم سابق خود، دکتر شمس الملوك مصاحب، خواستیم. از بانوان دانشمند و مردانیکه بمسائل اجتماعی مربوط بزنان آشنا و علاقمند هستند دعوت میکنیم که درین قسمت مجله شرکت فرمایند.

بقلم دکتر شمس الملوك مصاحب \*

عضو انجمن ملی تعلیم و تربیت در آمریکا

## وضع اجتماعی زنان در ایران بعد از

نهضت دی ماه ۱۳۱۴



جای بسی خوشوقتی است که مجله گرامی آینده که دارای سابقه سی و پنج ساله خدمت مطبوعاتی میباشد دوباره فعالیت ادبی و فرهنگی و اجتماعی خود را آغاز میکند. مجله آینده در دوره‌های گذشته و بخصوص در دوره اخیر خود، بشهادت صفحات مجله، از مجله‌هایی بود که همیشه برای توسعه فکر و ارتقاء مقام اجتماعی زنان کام بر میداشت و مقالات جالب و مهیجی مینگاشت. زیرا پیوسته عقیده داشت ترقی و پیشرفت هر جامعه و کشوری بسته به ترقی و پیشرفت زنان آن جامعه و کشور است. اینک نیز که دوره جدید خود را شروع میکند به پیروی از عقیده محکم و متین گذشته صفحاتی چند از صفحات مجله را برای بحث در مطالب مربوط به «دنیای زنان» اختصاص داده است. جای آن دارد که بانوان از جمله و دانشمندان فرصت را منتظم شمارند و بانگاشتن مقالات دقیق و وزین با مجله آینده برای اعتلاء فکر و توسعه روح و تلطیف ذوق و احقاق حقوق زن همکاری نمایند. علاوه بر مقالات ارزنده بانوان و دوشیزگان میتوانند از آثار ذوقی و فکری و ادبی و هنری خود برای مجله بفرستند که باصلا جدید هیئت تحریریه در مجله از آنها استفاده شود.

\* \* \*

شاید خوانندگان محترم مجله کم و بیش از تاریخچه کشف حجاب در ایران و مقدمات و عللی که باعث این نهضت عظیم شد اطلاع داشته باشند و احتیاجی بذکر مقدمات نباشد آنچه مقصود از ذکر این مقاله است تغییرات و تحولاتی است که بر این نهضت مترتب بوده است.

\* دکتر شمس الملوك مصاحب (عکس بالا) تحصیلات خود را در ادبیات فارس و آموزش و پرورش

در ایران بی پایان رسانیده، با آمریکا و کانادا نیز برای تکمیل مطالعات مسافرت نموده در وزارت فرهنگ رئیس دبیرستانهای دخترانه یروین، شاهدخت و نو بخش بود و سپس تصدی بازرسی فنی تعلیمات دوشیزگان و ریاست اداره تعلیمات متوسطه و تربیت معلم را داشته‌اند. بانوی محترم شاعر و نویسنده و از پیشروان آزادی زنان میباشد. در دوره گذشته «آینده» با این مجله همکاری مینمودند که در این دوره نیز ادامه خواهند داد.

نهیضت ۱۳۱۴ اثرات اولیه ظاهری داشته و دارد که شاید در همان نظر اول و لواینکه خیلی هم سطحی باشد مشهود میشود ولی اثرات عمیقتری نیز بر آن مترتب است که جز با مطالعه دقیق و موشکافی پی بردن بآنها میسر نیست .

تغییر لباس و وضع ظاهر ، ورود زنان به مجامع و مجالس ، آزادی رفت و آمدها و معاشرتها و مسافرتها ، ورود به دانشکدهها و مدارس عالی ، اشتغال بکار در بعضی از ادارات و مؤسساتی که قبلاً از کشف حجاب امکان آن نبود ، از نتایج اولیه ایست که بر این امر مترتب شد . اینک در وزارت فرهنگ و دانشگاه بانوان دانشمندی به شغل آموزگاری و دبیری و استادی اشتغال دارند و در وزارت بهداشت بانوان فاضل و متخصص و مجرب به شغل پزشکی و جراحی و پرستاری و قابلگی مشغولند . در وزارت کشور هم به امور تعلیم می پردازند ، و بهمین قسم در ادارات و مؤسسات دیگر . از لحاظ فضالیههای دسته جمعی ، جمعیههای مختلف زنان که اکثر دارای مرام و مقصد مشترک میباشدند و هدفشان بالا بردن سطح زندگی اجتماعی زن است تشکیل شده است . بعمل آمدن این فکر مترقی ، یعنی پی به قدرت همکاری بردن ، کردهم آمدن و با کمک هم مشکلات را حل کردن از علائم بارز رشد فکری زنان ایران است .

ولی هنوز در وراء این ظواهر و این پیشرفتهایی که در حد خود مهم و قابل توجه است تقاضای و نارسائی های زیاد و اشکالاتی بس عمیق و ریشه دار مخفی است و آنچه شده در برابر آنچه باید بشود هیچ است . چرا ؟

همه میدانیم منظور از این تحول عظیم یک تغییر ظاهری و صوری نباید باشد ، بلکه مقصود اصلی این است که سد راه توسعه فکری و پیشرفت مادی و معنوی زن برداشته شود و عرصه بیشتر و دید فکری و ذوقی او تا حد امکان فراختر و وسیعتر و راه ترقیات اجتماعیش هموارتر گردد . امروز در اثر مسافرتها ، رفت و آمدها ، مجلات و رادیو و تلویزیون و سینما و سایر وسایل ارتباطیه به محض اینکه چیزی مد و باب روز شد در فاصله بسیار کوتاهی به کشور ما هم میرسد و فی الواقع صورت ظاهر و پیروی از مد و آداب و رسوم بین ما و ملل مترقی چندان تفاوت و کم و کسری ندارد . اینک به بینیم آیا معنویات و تربیت اجتماعی و سطح فکری ما هم بهمان اندازه ترقی کرده است . اگر بخواهیم منصفانه جواب بدهیم باید بگوییم : «نه» . زیرا این ترقی دشوارتر و مستلزم آماده شدن مقدمات و پذیرفتن و درک کردن اصولی است که از یک طرف به آسانی و سادگی پیروی از مد نیست و از طرف دیگر چنان ترقی و تحولی که منظور نظر است بهمان اندازه که مربوط بخود ما یعنی جامعه زنان ایران است و باید از خود ما سرچشمه بگیرد مربوط بجامعه بطور کلی نیز میباشد ، یعنی علاوه برداشتن فکر مترقی و کوشش بلکه فداکاری که باید از طرف زنان در این باره مهذول گردد جامعه نیز باید پخته و مترقی باشد تا بتواند تحولات تازه را بپذیرد بلکه راه پیشرفتش را هموار سازد . متأسفانه در جامعه ما نه قسمت اول چنانکه باید در مسیر خود اقتاده است و نه جامعه بآن روی خوش نشان داده است .

من از اظهار این حقیقت متأسفم اما یشیمان نیستم ، اگر ما بهمان اندازه که بظواهر دلخوش کرده ایم در طلب معنی و چیزهای باارزشتر میرفتیم شاید وضع تا کنون خیلی بهتر از این بود . اگر از مجلهها و کتب خارجی و از مسافرتهای بخارجه و معاشرتها استفاده ظاهری بیشتر کرده ایم یعنی صورت ظاهر و آرایش و مد و رقص و مانند اینها را زود پذیرفته ایم اما تربیت اجتماعی صحیح را اخذ نکرده ایم . هستند در کشور ما خانیهایی که سالی دو یا یکبار بخارجه میروند و تمام لوازم آرایش و پوشاک سال خود را از آنجا تهیه میکنند (یا بوسیله اقوامشان که در خارجه هستند واردمی نمایند)

ولی آیا درقبال این امر سری هم به آشپزخانه‌های آن کشورها میزنند و از وسایل صحیح و اصول بهداشتی که برای تامین صحت و تندرستی افراد خانواده است دیدن میکنند و اطلاعی بدست می‌آورند و به اقتصاد خانواده و به مدارس هنری و خانه‌داری و خدمات اجتماعی و تعاون نیز توجهی دارند؟ ... نه! وضع خانواده‌های ما، تربیت اطفال ما و رشد جسمی و فکری آنان رضایتبخش نیست. شرکت ما در خدمات اجتماعی و در اجتماعات مبتنی بر اصول و منوال درستی نمیباشد. حتی متأسفانه بعضی از زنان تحصیل کرده تحصیلات عالی را مانع انجام وظایف مهم و اولیة زن میدانند یا بعبارت دیگر انجام این وظایف را بدون تحصیلات عالی و احیاناً اهانتی به مدرک و رتبه تحصیلی خود می‌پندارند. توجه بظواهر و لباس و مد عده‌ای را از توجه به صفات و ملکات عالی و شخصیت بازداشته است و تصور میکنند برای ورود بهر مجلس و محفلی و انجام هر آداب و تشریفات لباس فاخر و توالک آخرین مد کافی است و کوشش میکنند که شخصیت خود، آداب دانسی و نکته سنجی و درایت و اطلاعات عمومی خود را نیز با آن متناسب سازند.

من هیچ وقت این سخنان یکی از دوستانم را که پدرش سفیر کبیر ایران در یکی از ممالک خارجی بود فراموش نمیکنم، این خانم اظهار میداشت «در تمام مجالس رقص و شب نشینی و مهمانی که تشکیل میشد با اینکه رقص و موسیقی و وسایل تفریح و همه چیز فراهم بود معذک وقتی انسان از این مجالس خارج میشد راجع به موسیقی، راجع به نقاشی، راجع به ادبیات راجع به هنر، هنر کلاسیک و هنر روز، راجع به مسائل مهم روز و مانند اینها مطالب جالب و تازه و بسیار باارزش شنیده بود و خیلی کم در جزو آن راجع به تغییر مد و لباس روز صحبت شده بود، راجع باین و آن و غیبت از فلان و بهمان که بهیچوجه. لذا در ضمن شب نشینی و رقص و تفریح مقدار کمی نیز بر اطلاعات عمومی انسان افزوده شده بود.» البته برای اینکه در لحظه‌ای از نقاشی و ادبیات و موسیقی و وسایل مهم روز و حتی همان مطالب عادی زندگی سخن برود باید افراد دارای اطلاعات عمومی تر و تازه و کافی باشند و این جز با صرف وقت و پرداختن به مطالعه ممکن نیست. اگر فکر کنیم که برای زیبایی چشم و صورت احتیاج به پیروی از مد و آرایش و پیرایش است برای پیرایه روح و زینت فکر و تملیظ ذوق نیز احتیاج به مطالعه و تفکر و مانند اینهاست و چه خوب است که وقتی خانمی با ظاهر زیبا و آراسته وارد محفلی میشود درایت و ذوق و زیبایی روحی و فکری او نیز مشخص و بارز شود و او را دارای شخصیتی ممتاز جلوه گر سازد.

\*\*\*

اما اکنون که یک طرف قضیه را دیدیم باید بطرف دیگر آن نیز نظر افکنیم. آیا اجتماع ما و مردان ما در این عدم رشد فکری و اجتماعی چقدر دخالت بلکه مسئولیت دارند؟ بدون مبالغه باید گفت مسئولیت و قصور آنان بمراتب بیش از زنان است. در اجتماع ما با تمام تظاهر بتجدد و ترقی هنوز بطییب خاطر جایی و مقامی برای زن نیست. بسا زنان تحصیل کرده و ارجمند و محرب در کشور ما هستند که اگر در کشورهای اروپائی و امریکایی و حتی هندوستان و مصر و غیره هم بودند به مقامات عالییه اجتماعی رسیده بودند ولی در کشور ما خسته و نا امید بکناری نشسته‌اند و راه هر نوع فعالیت و اظهار وجود بر ایشان بسته است.

هنوز مردان ما، اشکالات خود را، معضلات زندگی و اداری مطالب مربوط بهنر و شغل و حرفه خود را با دوستان مرد خود در میان می‌نهند و «خانواده» یا «زن» را میگذارند که با دوستان خود صحبت‌های «زنانگی» بکنند. همسر یک وکیل و یک وزیر. و یک مهندس و یک استاد دانشگاه و یک طبیب

و مانند اینان بهمان اندازه در کار شوهرش وارد است و اطلاع دارد و گاه بگاہ باری همدردی و هم فکری میکند که مثلا زبان چینی میداند . اشتباه نفرمائید . مقصودم این نیست که همسر طبیب باید از طب سر رشته داشته باشد . یا همسر مهندس ساختمان باید از نقشه کشی و معماری مطلع باشد مقصودم از همکاری هم فکری و اربابز بودن روحی است . در کشور ما زن و مرد دارای خانه مشترک و زندگی جسمانی مشترک هستند ولی از لحاظ روح و فکر با هم دمساز و اربابز نیستند . این حکم اگر عمومیت نداشته باشد اکثریت دارد .

از این مورد که بگذریم در مقامات و رتبه های اداری خدا میداند زنان باچه دشواریها باچه تنگ نظریها و بیخلفیائی مقابل هستند . اشتباه نشود من رسیدن بیک مقام مهم و شامخ اداری را حد اعتلای زن نمیدانم فقط از لحاظ تساوی حقوق در این موضوع صحبت میکنم . يك بدبختی دیگر این است که اکثریت مردان ماحتی مردان تحصیل کرده و اروپا دیده و امریکارفته بزنی که دارای تحصیلات عالی و شخصیتی بارز و مستقل باشد چندان روی خوشی نشان نمیدهند . شاید این امر ناشی از فلسفه آنهارا چه بزندی که خانوادگی است یعنی چون زن فقط برای اداره خانه و زندگی در داخل چهار دیوار خانه ساخته شده و همیشه باید در مقابل «مرد» و «آقا» خاضع و خاشع و مطیع باشد تحصیلات عالی زن و اشتغال او بکار مستقل صدمه به سلطه مطلق مرد میزند .

اگر ما بخواهیم راهرا چنان برویم که رهروان رفتند زن و مرد هر دو باید در خط مشی و فلسفه خود تجدید نظر کنیم . اگر زنان معتقد باشند که باننشستن و گفتن امتیاز و حقی یکی داده میشود نمیشود در درجه اول باید فعالیت و کوشش کرد و خود را بمرزایا و فضایی آراست که در خور نیل بآن امتیاز باشد اگر مردان درک کنند که ترقی آنان و جامعه بدون ترقی زن امکان پذیر نیست و زن رقیبی دارای تساوی حقوق با مرد شد رقیب او نمیشود بلکه همفکر و اربابز او میگردد و نیمی از بار سنگین اجتماع را با دوش خود حمل میکند هر دو دسته باید در رویه و بلکه فلسفه خود تغییر دهند و این عمل باید بصورت چاره جوئی و یافتن راه حل دوستانه باشد نه صرف آرائی و رقابت خصمانه .

**اینک باید بگویم مقصود از ذکر این مقدمات نوشتن مقاله و پر کردن چند صفحه از صفحات مجله آینده نبود بلکه مقصود جلب توجه زنان فهیمه و دانشمند و مردان مترقی و روشن فکر بود تا در مورد پیشرفت مقام اجتماعی زن و تساوی حقوق با مرد وارد بحث شوند و مطلب را از هر حیث دقیقاً و شکافی نمایند.**

### زن خوب وزن بد

از افکار سعدی

زن خوب خوش سیرت پارسا	کند مرد درویش را پاداشا
***	
زن بد در سرای مرد نکو	هم در این عالم است دوزخ او
***	
تمی پائی رفتن به از کفش تنک	بلای سفر به که در خاتنه جنک